



نگاهی به حیات و نگارش محمد حجازی

A LOOK AT THE LIFE AND WRITINGS OF MOHAMMAD HIJAZI

افراء تنسیم

سی۔ٹی۔آئی، شعبہ فارسی، گورنمنٹ ایسوسی ایٹ کالج برائے خواتین پھالیہ، منڈی بہاوالدین
ifraasif868@gmail.com

غلام رسول

سی۔ٹی۔آئی، شعبہ فارسی، گورنمنٹ ایسوسی ایٹ کالج لالیال، چنیوٹ

Abstract

Mohammad Hijazi (Moti'-ud-Dawlah) (1901–1974) was a pioneering figure in modern Persian literature, renowned for his contributions as a novelist, playwright, journalist, translator, and political figure. Born in Tehran and educated in France, Hijazi blended Western literary techniques with traditional Persian themes. His works are notable for their realistic portrayal of Iranian society, particularly the evolving role of women, moral dilemmas, and the tension between tradition and modernity. Hijazi's major novels, including *Homa* (1928), *Pari-cher* (1929), *Ziba* (1930), and *Parwana* (1953), explore complex emotional and social dynamics, often through female protagonists. His short story collections such as *Ayeneh* (1933), *Andisheh* (1940), *Saghar* (1941), and *Ahang* (1951) reveal a philosophical and ethical depth, while his plays reflect his mastery in character development and dramatic structure. Admired both in Iran and internationally, his writings have been translated into English, French, Russian, Arabic, and Urdu. Critics have compared him to Addison and Steele of English literature. Hijazi's literary style is celebrated for its poetic prose, emotional intensity, and insightful critique of bourgeois society. His legacy remains influential in the development of Persian fiction and socio-political discourse in Iran.

Keywords:

Mohammad Hijazi, Persian literature, Iranian novelist, fiction, tradition and modernity, *Homa*, *Pari-cher*, *Ziba*, *Parwana*, Persian short stories, Persian drama

محمد حجازی مطبع الدولہ در فروردین ۱۲۸۰ ش در تهرآن بہ دنیا آمد۔ پدرش، سید نصر اللہ مستوفی (وزیر لشکر) اہل تفرش و از مستوفیان معروف بود۔ تحصیلات مقدماتی و متوسطہ رادر مدرسہ سن لویی تهرآن بہ پایان برد و چھارده سال پیشتر نداشت کہ پدرش درگذشت و او از جوانی وارد خدمت دولت شد۔ در سال ۱۳۰۰، از طرف وزارت پست و تلگراف بہ اروپا رفت و ہشت سال در آنجا گذراند۔ پس از مراجعت بہ ایران، باز مدتہادر آن وزارتخانہ کی از اعضای عالی رتبہ و دارای مناصب و مشاغل عمدہ بود و در سال ۱۳۱۱ مجلہ پست و تلگراف و تلفن را منتشر می کرد۔

حجازی در سازمان پرورش افکار، ادارہ کمیسیون مطبوعات و ادارہ مجلہ ایران امروز، ارگان آن سازمان را، کہ وظیفہ آن تبلیغ و تقویت از سیاست وقت بود، بہ عہدہ داشت۔ وی عضوی پیوستہ فرہنگستان ایران، رئیس انجمن فرہنگی ایران و پاکستان، رئیس بھداشت روانی و سلامت فکر و پس از حوادث شہر پورماہ ۱۳۲۰، چندی رئیس ادارہ کل انتشارات و تبلیغات ایران و، در ادوار دوم و سوم سناتور انتصابی



و، در ادوار چهارم و پنجم، سناتور انتخابی تهران بود. بارها به اروپا رفت و سفری نیز به هندوستان و آمریکا کرد. او که مدتی به علت سکنه ناقص مغزی در حال انما به سری برد، سرانجام روز چهارشنبه دهم بهمن ماه ۱۳۵۲ ش که هفتاد و سه سال از سنین عمرش گذشته بود، در بیمارستان، دیده از جهان فرو بست. (آرین پور، ۱۳۷۶ ش، ص ۲۴۳)

آثار محمد مجازی نه تنها در ایران دوستداران و خوانندگان فراوان دارد بلکه صیت سختش از مرزها گذشته و عاشقان و شیفته‌نگان بیشاری در کشورهای مختلف بدست آورده است.

همه می دانیم که بسیاری از داستانه‌های آقای مجازی به زبان‌های انگلیسی، روسی، فرانسه، عربی و اردو ترجمه شده است و شاید مترجمان توانسته اند دقایق و ظرایف ادبی و هنری نویسنده ما را آن طور که باید ترجمه کرده باشند. با این حال دوستداران و خوانندگان آقای مجازی بیشترند.

به عقیده من اگر آقای مجازی به زبان انگلیسی با فرانسه می نوشت امر وزبرتری و نبوغش بر تمام نویسندگان جهان به خوبی محسوس بود و هم چو موآم و همین گویی و آنا طول در سرتاسر جهان نام آور و بی رقیب بود. در هر حال باز خدا به ایران خورشید تابان دیگری مثل حافظ، سعدی، مولوی و نظامی یعنی آقای مجازی را مرحمت فرمود زیرا آن نویسنده توانا یک نوع عرفان و تصوف را در نوشته‌هایش تبلیغ کرده است. که در آن گوشه گیری و ترک دنیا وجود وجود ندارد. بلکه در آن شور زندگی و عشق به نیکی و فیکنسی و کار و کوشش موم میزند فروغ امید و نیک خواهی می درخشد و جوانمردی و گذشت و احسان و ایثار دیده می شود. کلمات و جملات نوشته‌های نویسنده ما به آهنگ دل انگیز موسیقی و به عواطف و شهود خواننده چنگ می زند و مسخو آن همه شیدایی و روانی می گرداند.

مثلا می گوید:

"عشق آتش است اگر نباشد خانه سرد و تاریک است اگر به جا افتاد خانه و خانمان را می سوزاند، سعادت بشر به عشق است و ایمان" چند سال پیش رادیو لندن راجع به آقای مطیع الدوله محمد مجازی یک سخنرانی پخش کرد که در آن این جمله بسیار قابل توجه است.

مجازی حافظ است که به زبان سعدی سخن می گوید:

هنری-دی جی لادر مجله "لائف ایتر لیزس آقای مجازی بالقب ستنین و اید سین ایران ملقب کرده است.

"Hijagi, The Steel and addison of Persian. He writes for the Cultured"
(Life and letters, edited by Roboot Herring Dec, 1940 P.198).

معمولا بر یک از بزرگان و نویسندگان جهان در یکی از فنون نویسندگی مهارت و تخصص دارند و در یک زمینه قدرت و هنر آنان به چشم می خورد مثلا بالزاک در رمان نویسی مویاسان و موآم در داستان کوتاه و چه خوف در نمایشنامه نویسی و انا طول در مقاله نویسی رومن رولان و آندره مور و آدریو گرانو نویسی مهارت، استادی نشان داده اند. در حالی که آقای محمد مجازی در همه زمینه‌های ادب طبیعی و قادی و قدرتی فوق العاده دارند مثلا رمان زیبا، پر پیچ و خم، هما و پروانه از شاهکارهای رمان نویسی او می باشد. بابا کو همی، مایه زندگی، خود کشی مجلس عیادت و فاتحه رومی از نوادر داستانه‌های کوتاه می باشد. محمود آقار اوکیل کنید، مادر زن، حافظ، هر یک آیتی اش هنر نمایشنامه نویسی است. (الله داتا، ۱۳۴۶ ش، هلال، شماره ۶۸)



محمد مجازی (۱۳۵۲-۱۲۸۰) از نویسندگان برجسته داستان نویسی مدرن است، دی علاوه بر داستان نویسی، نمایشنامه نویسی، مترجم، سیاستمدار و روزنامه نگار نیز بود. داستانهایی او شامل هما (۱۳۰۷)، پریچهر (۱۳۰۷)، زیبا (۱۳۰۹)، پروانه (۱۳۳۲)، سرشک (۱۳۳۳) و مقاله های او بانام آینه (۱۳۰۷)، اندیشه (۱۳۱۹)، ساغر (۱۳۲۰)، آهنگ (۱۳۳۰)، نسیم (۱۳۴۰)، آرزو (۱۳۴۳)، پیام (۱۳۵۱) و نمایشنامه های او بانامهای بابا کوهی، جنگ، حافظ، عروس فرنگی، محمود آقا راوکیل کنید، مسافرت قم و آخرین نمایشنامه او بانام میهن مادر سال ۱۳۳۸ به چاپ رسید. آثار و نمونه ای از داستانهایی واقع گرایی اجتماعی است که به تقابل سنت و مدرنیته و معضلات شهر نشینی توجه دارد، به شکلی که این سبک و سیاق فکر در مقاله ها و نمایشنامه های وی نیز بازتاب گسترده ای دارد.

موضوعاتی همچون مسائل زنان، معضلات اخلاقی، دیوانسالاری، و سیستم فساد اداری، اغلب آثار او به خود معطوف داشته است.

داستان های کوتاه و زمان ها مجازی هر کدام خیلی پیش از یک تابور نگین و بزرگ و زیباست. این تابوها یک جهان دل رادر بردارند. یک جهان آرزو، یک جهان خیال، جهان اشک و خنده، عقل و منطق و اضطراب آن جایکار است. دوستان جواب رد هم نمی دادند. زیرانی توانستند بگویند اورا نمی شناسند. همه ما زنده ایم و زندگی می کنیم. می خوریم و می خوابیم. فکرمی کنیم، احساسات داریم ولی هنوز نمی دانیم که زندگی چیست. باز هم نمی توانیم بگویم زنده نیستیم. با این که معلوم نشد که نقاش من از بهر چه مرا آراسته است، من هم از سال ها که با آثار مجازی آشنایی پیدا کردم در خود یک نوع حرارت و جذبه حس می کنم. لذت می بردم، رنج و تنگی می کشم، خیلی چیزهاست که در آن جهان بزرگی آن ها آشنا شدیم ولی اگر خواستید در چند کتاب آن را شرح بد هم این کار از من ساخته نیست، نه کنار دارد نه دارد.

آثار

ها:

مجله مجازی از سال ۱۳۰۰ قدم به عالم نویسندگی نهاد و در پاریس بود که نخستین داستان خود را به نام هما به قلم آورد. در زمان های هما مجازی تنها زنی است که در سطحی بالاتر از زنان روزگار خود قرار گرفته است. او تحصیلات کافی کرده و کتاب زیاد خوانده است. ساعت های دراز در موضوع هر کتابی که خوانده با حسنعلی خان بحث می کند و حتی گاهی به مرئی با فضل و کمال خود درس زندگی و عمل و اخلاق می دهد. اما نباید فراموش کرد که این رمان در سال ۱۳۰۴ نوشته شده و در آن رمان دختران تحصیل کرده و باسوار ایران زیاد نبوده اند و شاید راز این که نویسنده عروس داستان را با آن ترتیب خاص پرورش داده و با صفات و فضایل بالاتر از خواهران دیگر خود آراسته است. همان باشد که خواسته محلی برای نزدیکی بیش از اندازه حسنعلی به زن و دختر دوست متوفای خود و دیدارهای قبل از ازدواج ها با منوچهر بیندیشد و بتواند حتی المقدور به رویدادها و ماجراهایی قهرمانان رنگ طبیعی بدهد. (آرین پور، ۷۶-۱۳۷، ص ۲۴۶)

پریچهر و زیبا:

مجله مجازی یک سال بعد - سال ۱۳۰۸ رمان پریچهر را انتشار داده و پس از آن رمان قطور مفصل زیبا را پدید آورد و بعد جلد سوم به آن اضافه کرد. موضوع هر دو رمان سر نوشت زن ایرانی است. نویسنده در چهره پریچهر و زیبا خواننده را با زنان مستغرق در فساد، که در



دامان خانواده‌های اشرافی به ناز و نعمت پرورش یافته اند، آشنای کند. هر دو زمان، بخصوص زیبا، اگرچه گاهی از بعضی جهات زندگی طبقه متوسط شهری انتقادی شود. مثل همه کارهای مجازی، جنبه اخلاقی و آموزشی دارد.

زیبایاترین اثر مجازی است. این داستان به صورت حکایت حال نوشته شده و نامه یا گزارشی است که مستحکم از زندان شهربانی به وکیل خود فرستاده است. این شخص که به اصطلاح آب از سرش گذشته به نوشتن حوادث و اتفاقات قناعت می‌کند. و به تشریح اقوال روحی خود نمی‌پردازد، زیر این‌ها آن احوال را حال نمی‌تواند احساس کند و اگر بتواند قدرت تحریر آن را ندارد. (آرین پور، ۱۳۷۶، ص ۲۳۶)

زیبار میان رمان‌های مجازی مقام ممتازی دارد. در این زمان برخلاف داستان‌های دیگر نویسنده، مثلاً هابه واقعیت بیشتر توجه شده و احساسات و تخیلات کمتر در آن راه یافته است. در این مقالات یا حکایات، نویسنده صفات زشت و ناشایست بشری و بعضی از جهات ناپسند زندگی ایرانی را نمایش می‌دهد و مردم را دعوت می‌کند. که از بدی و بدکاری به پرهیزند و نزدیکان خود را نیاززند و در فرا گرفتن صفات نیک انسانی بکوشند در همه حکایت‌ها نظر و داعیه اصلی نویسنده آن است که "خوبی از خوشنگی زیباتر است." (همو، همان، ص ۲۵۰)

ساغر و آهنگ:

در مطالعه دو مجموعه حکایات ساغر و آهنگ زیاده کمش نخواهیم کرد. محتوی هر دو مجموعه قطعاً است از همان نوع نوشته‌ها که در آینه و اندیشه گرد آمده است. ساغر ۳۲ قطعه و آهنگ ۲۷ قطعه دارد. در ساغر حکایت‌ها بیشتر عاشقانه است و در آهنگ غالباً جنبه اخلاقی دارند. در یکی از حکایت‌های، نویسنده، بابیانی یکینواخت و خسته کننده، می‌کوشد مرد فقیری را به مزیت ثروت و سوددانش و به این نکته حکیمانه که زنان دارای خود را با صرفه جویی خرج کنند قانع نماید. (آرین پور، ۱۳۷۶، ص ۲۵۵)

پروانه:

در داستان پروانه، نویسنده یک مشت مطلب دارد که می‌خواهد به روی کاغذ بریزد، جز این که "بهبانها و دستاویزها" را ضعیف و ناتوان است. مجازی می‌خواهد به نوشته خود رنگ ملی ایرانی بدهد و بدین منظور تفصیلاتی از قبیل داشتن دوزن عقده‌ی و یک زن صیغه و غیره در داستان می‌گنجاند. نویسنده شعر و عشق را می‌ستاید و جمل و نادانی و حساگر بهای تا جرانه و مال اندوزی را نکوهش می‌کنند. ولی این همه مسیر اصلی داستان را تغییر نمی‌دهد و عشق و شهوت سه پایه کار بر آن نهاده شده، به هر حال، سرپای زندگی کسی را که مدار داستان بر اوست دبر می‌گیرد و وی را به تزلزل روح و مرگ و هلاک سوق می‌دهد. (همو، همان، همانجا)

سرسنگ:

در داستان سرسنگ عامل عشق و شهوت به حدیک بیماری روانی رسیده است. اما داستان از چیت نسج و نتیجه فرق کلی یا پروانه دارد. در این اثر، اخلاق و عادات جامعه بورژوازی آمریکا جامعه‌ای که خودخواهی مفرط افراد آن را به اختلال اعصاب و ارتکاب جرایم کشنده با وضوح کافی تشریح شده است. (همو، همان، همانجا)

مجازی با نوشتن سه داستان هم‌پر و هم‌چهر و زیبا و نشر بعضی مقالات و حکایات در جراید و مجلات پایه تحت در ردیف نویسندگان نامی



ایران قرار گرفت - اما یک دفعه و ناگهان طرز فکر او در مسیر دیگری افتاد -

در این اوقات، مجازی حکایت‌های زیادی نوشت که به تفریق در مجلات ایران چاپ شد و بعد نویسنده آن‌ها را در مجموعه‌ای گرد آورد، نخستین مجموعه حکایت‌های به نام آینه در سال ۱۳۱۲ منتشر شد و بعد نویسنده بعضی از آن حکایت‌ها را با حکایت‌های تازه دیگری در مجموعه‌ای به نام اندیشه، در سال ۱۳۱۹، انتشار داد. آینه ۹۵ و اندیشه ۶۰ حکایت دارد. (آرین پور، ۱۳۷۶، ص ۲۳۸)

به دستاویزی از این حکایت است که ملک الشعرای بهار می‌گوید.

"آقای مجازی، بابا کوهی تو نیز مانند بسیاری از شاهکارهای مر امست کرد از خواندن این قطعه لطیف و پر مغز و قاص نیز آرزو کردم که ای کاش این قطعه از آن من و از اثر افکار من می بود، ای کاش تو آنستمی به این لطیف و پر مغزی و شیدایی شعر گفتم - مجازی اشعار شیرین تو، به صورت نثر، آن هم نثری به سادگی طفولیت و به مروت سوخت، در آمده است. از آن رو در من تاثیر می بخشد که مبتنی بر اصول و قواعدی نیست - مردم عبادت و الفاظ و جمله بندی نیست - مرادم عبارات و الفاظ و جمله بندی نیست - بلکه مرادم خیالات و تصورات شاعرانه است. آری، این خیالات از هر قاعده و اصلی بیرون است - اشعار تو بعین مانند طبیعت و دنیا است. یک روشنی و نوری است مشکوک - یک نقطه روشنی است متزلزل و ناپایدار جای در قیاس و ابهام و شک و یک لذتی است معنوی در عالم و هم یک رشته حقایق است در جهانی که جز عدم حقیقت و هیچ و پوچی عمیق چیزی در آن نسبت" (بهار، روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۷)

☆☆☆☆☆

کتاب شناسی

- آرین پور، یکی (۱۳۷۶ش) از نیما تا روزگار ما، انتشارات زوار، تهران
- الله و تا (۱۳۳۴ش) آقای محمد مجازی و ادبیات فارسی، هلال، شماره ۶۸
- بهار، محمد تقی، ملک الشعرای (۱۳۱۷ش) بابا کوهی مجازی، روزنامه اطلاعات
- دهنخوا، علی اکبر (۱۳۷۷ش) لغت نامه دهنخوا، به سرپرستی محمد معین، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
- شیفته، نصر الله (۱۳۳۱ش) بیوگرافی صدر مرد، ج ۲ - تهران
- عرفانی، عبد الحمید (۱۳۳۵ش) محمد مجازی مطبوعه دوله، هلال - شماره ۱۷
- عمید، حسن، فرهنگ عمید (۱۳۷۵ش) انتشارات امیر کبیر، تهران
- معین، محمد، فرهنگ فارسی (۱۳۹۱ش) انتشارات زرین، تهران
- 'Life and letters, edited by, Robert Hearing Dec, 1940/-P-198

